

## تحولات مورد نیاز در سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی ایران در راستای الحاق به سازمان جهانی تجارت (WTO)<sup>۱</sup>

یحیی فتحی\*

پذیرش: ۸۹/۴/۳۰

دریافت: ۸۸/۱۱/۲۱

دیپلماسی تجاری / الحاق به WTO / سیاست‌های اقتصادی / نهادهای اقتصادی

### چکیده

مطالعات انجام شده حاکی از آن است که فرایند تحصیل عضویت در سازمان جهانی تجارت (طی کردن فرایند مذاکرات الحاق)، تحت شرایط مشخص، می‌تواند به اثرات مثبت در سیاست‌های اقتصادی داخلی و ساختار و کیفیت نهادی کشورهای متقاضی عضویت بینجامد.

در این مقاله با استفاده از تحلیل‌های مقایسه تطبیقی به بررسی اثرات الحاق به WTO بر سیاست‌های اقتصادی داخلی و شاخص‌های نهادی کشورهای تازه‌ملحق شده به آن سازمان، در مقایسه با اعضای مؤسس WTO و کشورهای غیرعضو، پرداخته شده است. همچنین، ضمن مقایسه مقدار و روند تغییرات شاخص‌های مورد نظر برای اقتصاد ایران و تحلیل میزان و علل بروز شکاف بین شاخص‌های مربوط به ایران در مقایسه با متوسط کشورهای تازه‌ملحق شده، راهکارهای اصلاح و بهبود شاخص‌های مورد نظر و رهکردهایی برای فرایند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت ارائه شده است.

در خاتمه نیز ضمن جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی لازم برای اصلاحات و

۱. این مقاله حاصل طرح پژوهشی «بررسی و تدوین تحولات مورد نیاز در سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی ایران در راستای الحاق به سازمان جهانی تجارت (WTO)» است که در سال ۱۳۸۸ توسط مولف، در مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اجرا شده است.

تغییرات ضروری در سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی ایران در جهت آمادگی برای طی کردن موفق فرایند الحاق با هدف انتفاع هرچه بیشتر کشور از حضور آتی در سازمان جهانی تجارت ارائه شده است.

**طبقه‌بندی JEL: E61, F13, F14, F15, F43, F53, F55**



## مقدمه

طی فرایند الحاق به سازمان جهانی تجارت کشورهای متقاضی الحاق به برخی تعهدات ماهوی تن می‌دهند که در عمل به طراحی مجدد چارچوب نهادی و ساختار اقتصاد داخلی آن‌ها منجر می‌شود. این ساختار جدید در عمل متضمن شرایط اقتصادی به مراتب باثبات‌تر و با قابلیت پیش‌بینی‌پذیری بیشتر است.<sup>۱</sup> از این رو، فرایند الحاق اغلب به مثابه یک تمرین تازه و بی‌سابقه برحسب تعهداتی است که جوانب مختلف سیاست‌های اقتصادی داخلی و موضوعات نهادی را به هم پیوند می‌زند. به‌ویژه اینکه، کشورهای درحال الحاق مجبورند نتایج ملموسی را از طریق تغییرات در قوانین و مقررات، تمهید دسترسی بیشتر و سهل‌تر به بازار کالاها و خدمات از طریق کاهش تعرفه‌ها و عوارض وارداتی، آزادسازی بخش‌های خدمات، و ایجاد شفافیت در رژیم تجاری خود برای جامعه جهانی مورد هدف قرار بدهند.<sup>۲</sup> انتظار می‌رود این تغییرات اساسی و قابل توجه در سیاست‌های اقتصادی داخلی علائم موثقی را به سرمایه‌گذاران خارجی مخابره کرده و اعتماد آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری در کشور متقاضی عضویت در WTO بیش از پیش جلب کند.

ضمن این‌که، به‌دلیل سطوح متفاوت توسعه اقتصادی، و ظرفیت جذب داخلی متفاوت بیشتر کشورهای عضو یا متقاضی عضویت، سیاست‌های تعدیل باید خاص هر کشور طراحی شود تا هزینه‌های ناخواسته در جریان الحاق و تبعات منفی بعد از عضویت بر روی بخش‌های مختلف اقتصاد داخلی را به حداقل برساند.

در این مقاله با استفاده از تحلیل‌های مقایسه تطبیقی به بررسی اثرات الحاق به WTO بر سیاست‌های اقتصادی داخلی و شاخص‌های نهادی کشورهای تازه‌ملحق شده به آن سازمان، در مقایسه با اعضای مؤسس WTO و کشورهای غیرعضو، پرداخته شده است. همچنین، ضمن مقایسه مقدار و روند تغییرات شاخص‌های مورد نظر برای اقتصاد ایران و تحلیل میزان و علل بروز شکاف بین شاخص‌های مربوط به ایران در مقایسه با متوسط کشورهای تازه‌ملحق شده، راهکارهای اصلاح و بهبود شاخص‌های مورد نظر جهت کسب آمادگی‌های لازم برای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت ارائه شده است.

1. North, (1990).

۲. یحیی فتحی، (۱۳۸۸ الف).

## ۱. بررسی ادبیات موضوع و مبانی نظری تحقیق

طی دهه‌های گذشته در بسیاری از مطالعات در زمینه ادبیات رشد اقتصادی با ظهور ادبیات اقتصاد نهادی جدید (NIE) قدرت توضیح‌دهی سایر متغیرها کم رنگ‌تر شده که این امر اهمیت نهادها را در تبیین علل تفاوت در نرخ رشد کشورهای مختلف بیان می‌کند. طبق نظریه NIE می‌توان علل عملکرد اقتصادی متفاوت کشورها را که با درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود، با توانمندی‌های نسبی نهادهای آن‌ها توضیح داد. بر این اساس، با ارائه یک تعریف دقیق از توسعه می‌توان در یک چارچوب معین به بررسی و ارزیابی نهادها و سیاست‌های اقتصادی پرداخت.<sup>۱</sup> برای این منظور، در این قسمت به‌طور خلاصه دیدگاه‌های موجود در خصوص علل تفاوت در عملکرد اقتصادی بین کشورها از جنبه نقش نهادها و سیاست‌های اقتصادی در چارچوب فرایند توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱-۱. اقتصاد نهادی جدید و توسعه

مکتب اقتصاد نهادی جدید (NIE) از فرضیه نورث (۱۹۹۲) حمایت می‌کند. طبق این فرضیه «توصیف خصوصیات تحول اقتصادی و ارائه راهکارهای مناسب جهت ارتقای عملکرد اقتصادی دو مقوله کاملاً مجزا از هم هستند. ما نمی‌دانیم چگونه می‌توان یک اقتصاد بیمار را به یک اقتصاد سالم تبدیل کرد، اما نهادها سرنخ‌های مهمی را در اختیار ما قرار می‌دهند». این امر اهمیت نهادها را در تبیین تفاوت عملکرد اقتصادی بین کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد.<sup>۲</sup>

عجم اوقلو، جانسون و رابینسون (۲۰۰۱)<sup>۳</sup> پاره‌ای شواهد تجربی را در ارتباط با اهمیت نهادها ارائه کرده‌اند. این سه تن در مقاله بعدی خود در سال ۲۰۰۵ بر نقش محوری نهادها در تضمین رشد بلندمدت صحنه گذاردند. رودریک، سوبرامانیان و تربی (۲۰۰۴) با تأیید یافته‌های این سه، بر نقش کلیدی نهادها اشاره کرده و در ضمن کیفیت نهادی<sup>۴</sup> را بر سایر

1. New Institutional Economics.

2. Basu, (2008b).

3. North, (1994).

4. Acemoglu, Johnson and Robinson, (2001).

5. Institutional Quality.

عوامل مقدم یافتند.<sup>۱</sup>

ایسترلی و لوین (۲۰۰۳) نشان دادند که نهادها می‌توانند تنها اختلاف در GDP سرانه بین کشورهای مختلف را توضیح دهند و نتیجه گرفتند که «به نظر می‌رسد در تحلیل توسعه اقتصادی کیفیت نهادی معیار و سنجه مناسب‌تری است»<sup>۲</sup>. هال و جونز (۱۹۹۹) نیز در مطالعه خود دریافتند که، بهره‌وری نیز از تفاوت در نهادها و سیاست‌های دولت نشأت می‌گیرد<sup>۳</sup>. باردهان (۲۰۰۵) نیز معتقد است «با وجود این که ممکن است نهادها نقش مهمی در عملکرد اقتصادی داشته باشند، ولی لازم است تا نهادها را از نظر اهمیت نقش و تأثیرگذاری آن‌ها در عملکرد اقتصادی اولویت‌بندی کرد»<sup>۴</sup>.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، هر کدام از تحقیقات مورد بررسی بر بخش خاصی از اهمیت و نقش متغیرهای نهادی در توسعه اشاره دارند. اما نتیجه کلی که می‌توان از مجموع این تحقیقات به‌دست آورد، این است که نمی‌توان اهمیت انکار ناپذیر نهادها را در تبیین علل تفاوت در ساختار الگوی توسعه اقتصادی کشورهای مختلف نادیده گرفت.

## ۱-۲. سیاست‌های اقتصادی و توسعه

اقتصاددانان همواره سیاست‌های اقتصادی را ابزاری برای رفع عدم تعادل در نظام بازار از طریق مداخله صحیح دولت می‌پندارند. دولت‌ها باید در مواجهه با هرگونه عدم تعادل سیاست‌های مناسب را جهت ارتقای سطح درآمد و تضمین فعالیت‌های اقتصادی صحیح اتخاذ کنند. سیاست‌های اقتصادی، تحلیل رفتار عوامل اقتصادی و عملکرد نظام‌های اقتصادی را تکمیل می‌کند.

در مباحثه‌های اقتصادی و سیاسی چند دهه گذشته، این اعتقاد وجود داشته است که دولت باید در امور اقتصادی مداخله کند، ولی در سال‌های اخیر اعتقاد راسخ به این نظریه‌ها سست شده و این فکر مطرح گشته است که مداخله دولت بیش از آن که سودمند باشد، زیانبار است و بسیاری از احزاب شعار کوچک شدن دولت را مطرح کردند. تمام تلاش ای.

1. Rodrik, Subramanian and Trebbi, (2004).

2. Easterly and Levine, (2003).

3. Hall and Jones, (1999).

4. Bardhan, (2005).

اف. شوماخر در کتاب پرفروش کوچک زیباست<sup>۱</sup> برای اثبات این نکته است که واحدها، سازمان‌ها، دستگاه‌ها و مزارع کوچک‌تر به دور از دخالت دولت موفق‌تر بوده‌اند و این که چگونه نظارت بیش از حد دولت و مداخلات مداوم آن، موجب نارضایتی و ناخشنودی شده است.<sup>۲</sup> اما چرا با همه این تفاسیر دخالت دولت در اقتصاد انکارناپذیر است؟ اقتصاددانان مختلف علل و چرایی مداخله دولت در اقتصاد را شامل علل اقتصادی - عدم کفایت مکانیسم بازار، در تأمین نیازهای جامعه بر پایه کارآیی (شکست بازار)<sup>۳</sup>، قدرت تحمل زیان احتمالی<sup>۴</sup>، امکان استفاده از ابداعات و اختراعات<sup>۵</sup>، و علل تاریخی - مقابله با نابرابری شدید و توزیع ناعادلانه درآمدها<sup>۶</sup>، جلوگیری از افراط در آزادی<sup>۷</sup>، مدیریت نوسانات دوره‌ای (سیکل‌های تجاری)<sup>۸</sup>، مدیریت تمرکز و ادغام در فعالیت‌های اقتصادی<sup>۹</sup> - ذکر کرده‌اند.

## ۲. مروری بر مطالعات انجام‌شده

بررسی مطالعات انجام شده حاکی از این واقعیت است که ادبیات الحاق به WTO در ابتدای امر فقط به دنبال ارزیابی آثار تجاری خاص WTO بر روی کشورهای ملحق شده به این سازمان است. به عبارت دیگر، پژوهش‌های موجود هنوز توجه لازم را به تحلیل آثار الحاق به WTO بر سیاست‌های اقتصادی داخلی این کشورها و نیز نهادسازی برخاسته از آن مصروف نکرده‌اند. در این قسمت از مطالعه به طور خلاصه به معرفی برخی از پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که در ارتباط مستقیم با بحث بررسی آثار الحاق به WTO بوده و نقش الحاق به WTO در گسترش سریع تجارت خارجی و شاخص‌های نهادی کشورهای تازه ملحق شده در سطح ملی را بررسی کرده‌اند. مثال جامع علوم انسانی

در یکی از این مطالعات ابتدایی در خصوص آثار عضویت در WTO در کشورهای

1. *Small is Beautiful*.

۲. شوماخر، (۱۳۶۵).

۳. جمشید پژویان، (۱۳۶۹)؛ ص ۱۲۴.

۴. کیندل برگر، (۱۳۵۱)؛ ص ۲۲۹.

۵. همان، ص ۲۳۰.

۶. غفاری، (۱۳۸۳)؛ صص ۹۰-۹۲.

۷. تمدن و درخشان، (۱۳۶۶)؛ ص ۲۰.

۸. همان، ص ۲۱.

۹. همان.

در حال گذار، در ابک و باچتا (۲۰۰۴)<sup>۱</sup> آثار الحاق به WTO را به سیاست‌گذاری و اصلاحات نهادی ربط داده‌اند. آن‌ها دریافتند که در مورد کشورهای تازه ملحق‌شده به WTO، عضویت در این سازمان به پیشرفت معنی‌دار در حکمرانی و سیاست‌های اقتصادی انجامیده است. همچنین مستنداتی را در خصوص دلایل عمده چرایی و توجیه این که چرا کشورها باید به عضویت WTO درآیند ارائه داده‌اند. عمده‌ترین این دلایل و توجیهات به آثار سودمند الحاق به WTO بر سیاست‌گذاری داخلی کشورهای عضو و نظام نهادی کارآمد آن‌ها برمی‌گردد.

در مطالعه دیگری، کنت و دیگران (۲۰۰۵)<sup>۲</sup> یک سری بحث‌های تحلیلی را در مورد الحاق بلغارستان، اکوادور و اردن به سازمان جهانی تجارت ارائه داده و همچنین الزامات قانونی، تحولات و روندهای توأم با الحاق را مورد تاکید قرار داده‌اند.

فرانتینو (۲۰۰۶)<sup>۳</sup> آثار الحاق به WTO بر حکمرانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. وی آثار عضویت در موافقتنامه‌های تجارت آزاد آمریکای شمالی<sup>۴</sup> بر حکمرانی کشورهای عضو را مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که تحلیل شاخص‌های حکمرانی جهانی هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری را بین دوره مذاکرات یا حضور کشورهای عضو و پیشرفت حکمرانی آن‌ها نشان نمی‌دهد.

تانگ و وی (۲۰۰۶)<sup>۵</sup> پیامدهای الحاق به سازمان جهانی تجارت بر درآمد و سرمایه‌گذاری را در کشورهای عضو مطالعه کرده‌اند. این دو در مطالعات خود به شواهدی دست یافتند که نشان می‌دهد الحاق به WTO تنها در صورتی به تحریک و جلب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش درآمد می‌انجامد که کشورها رویه‌های الحاق به WTO را با درایت و همه‌جانبه‌نگری اتخاذ کرده باشند. همچنین نشان دادند که الزام کشورهای متقاضی عضویت به انجام اصلاحات گسترده در سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه برای کشورهایی که از ضعف در حکمرانی برخوردار هستند، بسیار مفید و مؤثر بوده است.

با وجود این که مطالعات فوق تلاش داشته‌اند تا عناصر و اجزای سیاست‌های اقتصادی و

1. Drabek and Bacchetta, (2004).

2. Kennett et al., (2005).

3. Ferrantino, (2006).

4. North American FTAs.

5. Tang and Wei, (2006).

ساختار نهادی کشورهای عضو را نیز در تحلیل اثرات الحاق وارد نمایند ولی هنوز نمی‌توان با اتکا به این مطالعات با قطعیت در مورد ارتباط بین سیاست‌های اقتصادی داخلی و نهادسازی کشورهای عضو نتیجه‌گیری کرد.

اما آنکتاد (۲۰۰۷) سه جزء اصلی شاخص ICRG، که به‌طور مشخص با نهادها و سیاست‌های اقتصادی کشورها در ارتباط هستند، شامل وضعیت سرمایه‌گذاری، نظم و قانون و کیفیت دیوان‌سالاری را مدنظر قرار داده و با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ برای ۸۱ کشور در حال توسعه، به ارزیابی اثرات الحاق به WTO بر سیاست‌های اقتصادی و نهادها پرداخته‌است. در مطالعه آنکتاد برای آزمون فرضیه تحقیق از تحلیل  $DD^1$  به شکل مدل زیر استفاده شده است. تحلیل  $DD$  از متغیرهای مجازی برای بخش‌بندی مشاهدات مربوط به کشورها در سال‌های مختلف استفاده کرده تا اثرات الحاق به WTO را بر شاخص آزادی اقتصادی (DEI) برآورد کند. در مطالعه مورد نظر به ۲۱ کشور تازه‌ملحق شده<sup>۲</sup> عنوان «گروه عمل»<sup>۳</sup> و به سایر کشورهای عضو GATT/WTO عنوان «گروه کنترل»<sup>۴</sup> اطلاق شده است.

$$DEI_{it}^{TG(=1)} = \alpha_1 + \beta_0 WTO_{it} + \beta_1 WTO_{it+*} + \delta_0 WTO_{it}^{TG(=1)} + \delta_1 WTO_{it+*}^{TG(=1)} + \Gamma x_{it-1} + \lambda_1 + \varepsilon_{it}^{TG(=1)}$$

که در آن؛ DEI شاخص آزادی اقتصادی برای کشور  $i$  ام از بین ۲۱ کشور تازه‌ملحق شده به WTO «گروه عمل»،  $\alpha_1$  اثرات ثابت کشور  $i$  ام،  $WTO_{it}$  متغیر مجازی کشور  $i$  ام (که در صورت عضویت و یا عدم عضویت آن در WTO در زمان  $t$  به ترتیب عدد ۱ و صفر به آن تعلق می‌گیرد)،  $\beta_0$  اثرات الحاق به WTO یک سال پس از الحاق،  $\beta_1$  اثرات الحاق به WTO در سال‌های بعد،  $WTO_{it}^{TG(=1)}$  متغیر مجازی اول برای کشور  $i$  ام در گروه عمل (کشورهای تازه‌ملحق شده، که در سال الحاق عدد ۱ و در باقی سال‌ها عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد)،  $WTO_{it+*}^{TG(=1)}$  متغیر مجازی دوم برای کشور  $i$  ام در گروه عمل (که در سال‌های قبل از الحاق به WTO عدد صفر و در سال الحاق و سال‌های بعد از آن عدد ۱ به آن منسوب می‌شود)،  $\delta_0$

1. Difference in Difference Analysis.

۲. در حال حاضر (دسامبر ۲۰۰۹) تعداد کشورهای تازه ملحق شده به WTO به ۲۵ کشور بالغ شده است.

3. Treatment Group.

4. Control Group.



پیامدهای الحاق به WTO در سال الحاق،  $\delta_1$  سایر پیامدهای الحاق به سازمان در سال‌های بعد برای گروه عمل (در مقایسه با گروه کنترل)،  $X_{it-1}$  تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه وقفه‌ای به صورت لگاریتم، که در نقش متغیر مجازی عمل کرده و تمامی تغییرات مختص به اقتصاد یک کشور را در مدل لحاظ می‌کند،  $\lambda_t$  اثرات خاص زمانی (Time-Specific) در تصریح مدل، و  $\varepsilon$  جزء اخلاص با میانگین صفر و واریانس ثابت است.

نتایج این بررسی برای ۸۹ کشور مورد بررسی حاکی از آن است که کشورهای درحال توسعه عضو GATT، کشورهای تازه‌ملحق شده به WTO و اعضای مؤسس WTO به ترتیب امتیاز  $1/73$ ،  $1/85$  و  $1/71$  را برای خود ثبت کرده‌اند. این ارقام نشان می‌دهد که کشورهای تازه‌ملحق شده به WTO بالاترین رقم را ثبت کرده‌اند. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، علاوه بر نهادسازی و اصلاح ساختار نهادی کشورها، کیفیت نهادی کشورهای تازه‌ملحق شده نیز در نتیجه سپری کردن فرایند الحاق به WTO در مقایسه با سایر کشورهای مورد بررسی بهبودی قابل ملاحظه‌ای داشته است.

در تحلیل‌های بالا می‌توان به اثرات مثبت فرایند الحاق بر سیاست‌های اقتصادی داخلی و نهادسازی کشورهای تازه‌ملحق شده پی برد. کشورهای عضو در عمل با اصلاحات داخلی در عرصه سیاست‌های اقتصادی مواجه بوده‌اند تا بتوانند بر محدودیت‌های طرف عرضه و تنگناهای نهادی موجود در سطح تجارت جهانی غلبه کنند. نمی‌توان کتمان کرد که نهادها نقش کلیدی در دستیابی کشورها به توسعه اقتصادی ایفا می‌کنند.

### ۳. ارتباط سازمان جهانی تجارت با نهادها و سیاست‌های اقتصادی

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که، اعضای WTO تغییرات سیاستی و نهادی زیادی را، به لحاظ ساختار و کیفیت، طی فرایند الحاق خود به این سازمان به عمل آورده‌اند تا بتوانند از منافع نظام چندجانبه تجاری بهره‌مند شوند و تحت شمول اصول و مقررات سازمان جهانی تجارت، از جمله اصل دولت کامله‌الوداد (MFN)، از رفتار تبعیض آمیز سایر اعضا در جریان مبادلات اقتصادی بین‌المللی مصون بمانند. در این قسمت از مطالعه، مکانیزم‌های ممکن را که الحاق به WTO از آن طریق سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی یک کشور را تحت تأثیر

قرار می‌دهد بررسی می‌کنیم.

### ۳-۱. مجاری تأثیرگذاری الحاق به WTO

الحاق به سازمان جهانی تجارت سیاست‌های داخلی و نهادهای اقتصادی کشورها را از طریق قواعد و الزامات متنوع WTO تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای ارائه تصویری ساده‌تر و قابل فهم‌تر از این موضوع می‌توان این عوامل را به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

#### ۳-۱-۱. سیاست‌هایی که تجارت کالاها را تحت تأثیر قرار می‌دهند

**مقررات واردات؛** رژیم‌های وارداتی، دستورالعمل‌های گمرکی، عوارض گمرکی معمول، سایر عوارض و هزینه‌های گمرکی، سهمیه‌های تعرفه‌ای (TRQ)، معافیت‌های تعرفه‌ای، مالیات‌های داخلی بر واردات، ممنوعیت‌های وارداتی، سهمیه‌های وارداتی، مجوزهای محدودکننده، رویه‌های صدور مجوزهای واردات، ارزش‌گذاری گمرکی، قواعد مبدأ، سایر تشریفات گمرکی، بازرسی پیش از حمل، اقدامات اقتضایی (نظیر اقدامات ضدقیمت‌شکنی، اقدامات جبرانی و اقدامات حفاظتی).

**اقدامات مرتبط با صادرات؛** تعرفه یا مالیات بر صادرات، محدودیت‌های صادراتی، یارانه‌های صادراتی، مناطق پردازش صادرات.

**سیاست‌های داخلی مؤثر بر تجارت کالاها؛** مالیات‌ها و هزینه‌هایی که بر واردات وضع می‌شوند، سیاست‌های صنعتی شامل یارانه‌ها، موانع فنی فراراه تجارت (TBT) و اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی (SPS)، اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (TRIMS)، نهادهای تجاری دولتی، مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی، خریدهای دولتی، ترانزیت، سیاست‌های کشاورزی، تجارت هوایماهای غیرنظامی، منسوجات، حقوق تجاری (نظیر تبلیغات و تجارت مشروبات الکلی و تنباکو).

#### ۳-۱-۲. سیاست‌هایی که تجارت خدمات را تحت تأثیر قرار می‌دهند

تعهدات افقی (در مدهای ۱، ۲، ۳ و ۴)، معافیت از MFN، تعهدات کلی یا جزئی در تجارت خدمات کسب و کار، ارتباطات، ساخت و ساز، توزیع، آموزش، محیط‌زیست، مالی، سلامت، گردشگری و حمل و نقل.

۳-۱-۳. سیاست‌هایی که حقوق مالکیت فکری را تحت تأثیر قرار می‌دهند کليه الزاماتی که در موافقت‌نامه TRIPs تصریح شده‌اند.

۳-۱-۴. سایر سیاست‌های مرتبط با تجارت در مقررات و الزامات WTO ارز و پرداخت‌های خارجی، ترازپرداخت‌ها، رژیم سرمایه‌گذاری، مالکیت دولتی و خصوصی‌سازی، سیاست‌های قیمت‌گذاری.

۳-۱-۵. سیاست‌های تأثیرگذار بر نهادها ساختار دولت و قوای سیاسی، قوا و ارکان اجرایی، ادارات قانون‌گذاری و قضایی که در سیاست‌های مربوط به موضوعات مرتبط با WTO دخالت دارند، اختیارات دولت‌های غیرمرکزی، مدیریت یکپارچه رژیم تجاری، رویه‌های بررسی قضایی (شامل حق استیناف و حل اختلافات).

اگر اعضای WTO دریابند که هر کدام از اقدامات و سیاست اقتصادی کشور متقاضی الحاق با الزامات و قواعد مصرح در یادداشت فنی الحاق به WTO مغایرت دارد، کشور متقاضی ملزم است تا شواهد لازم را، که این کشور چه زمان و با چه روشی مبادرت به اصلاح سیاست اقتصادی مورد نظر خواهد کرد، به اعضای گروه کاری الحاق ارائه کند. بنابراین، اصلاحات سیاست‌های اقتصادی و تغییرات نهادی که بدین صورت از طرف کشور متقاضی الحاق اظهار می‌شوند در واقع تعهدات کشور مورد نظر در قبال قواعد و الزامات WTO به حساب می‌آیند. هرچند هیچ یک از موافقت‌نامه‌های WTO تغییر و اصلاحات مشخصی را در شاخص‌های نهادی به‌طور مستقیم الزام نکرده است، اما مجموعه وسیعی از تعهدات مختلف در موافقت‌نامه‌های WTO وجود دارد که در عمل می‌تواند به تغییرات واقعی نه تنها در سیاست‌های اقتصادی بلکه حتی در ساختار و عملکرد نهادهای کشور متقاضی الحاق بینجامد. این تعهدات چندجانبه کشورهای متقاضی الحاق را وادار می‌سازد تا با اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب در یک دوره زمانی مشخص بر اعتبار خود بیفزایند. همچنین، این تعهدات زمان‌بندی‌شده با ایجاد فشارهای داخلی و نظم و انسجام خاص در سیاست‌گذاری‌ها، موجبات اصلاح سیاست‌های اقتصادی داخلی را فراهم می‌آورند.

#### ۴. مقایسه تطبیقی براساس آنالیز شاخص‌ها برای ایران و کشورهای تازه ملحق شده<sup>۱</sup>

در این بخش از مقاله، با استفاده از شاخص‌ها و متدولوژی جدید محاسبه آزادی اقتصادی کشورها، سعی داریم اثرات الحاق به WTO بر سیاست‌های اقتصادی و شاخص‌های نهادی کشورهای تازه ملحق شده را در مقایسه با اعضای قبلی GATT/WTO و سایر کشورهای در حال توسعه غیر عضو در این سازمان بررسی کرده و سپس با آنالیز شاخص‌های مورد نظر ضمن بررسی تطبیقی وضعیت ایران در این دو حوزه (سیاست‌های اقتصادی و ساختار و کیفیت نهادی) شکاف‌های موجود در مقایسه با اعضای تازه ملحق شده را تعیین کنیم.

##### ۴-۱. شاخص‌های مورد استفاده در مقایسه تطبیقی

**آزادی تجارت<sup>۲</sup> (معیار ارزیابی سیاست‌های تجاری):** آزادی تجارت یک شاخص ترکیبی است از عدم وجود موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای که بر صادرات و واردات کالاها و خدمات تأثیرگذار است. محاسبه امتیاز این عامل براساس دو داده؛ میانگین وزنی نرخ‌های تعرفه و موانع غیر تعرفه‌ای (NTBs) پی‌ریزی شده است. با استفاده از معادله زیر امتیاز آزادی تجارت برای کشورهای مختلف محاسبه می‌شود:

$$TF_i = (((T_{max} - T_i) / (T_{max} - T_{min})) * 100) - NTB_i$$

برای تعیین سطح و گستره موانع غیر تعرفه‌ای در رژیم تجاری یک کشور از هر دو اطلاعات کمی و کیفی استفاده می‌شود. این اطلاعات شامل قوانین دست و پاگیری است که به‌طور گسترده‌ای مانع از تحقق تجارت شده و طبیعت تداخلی و انتقالی این قوانین، درک و سنجش پیچیدگی آن‌ها را دشوار می‌سازد. موانع غیر تعرفه‌ای که در محاسبات شاخص مورد نظر در نظر گرفته شده‌اند عبارت‌اند از:

- ۱- محدودیت‌های مقداری: سهمیه واردات، محدودیت‌های صادراتی، محدودیت‌های داوطلبانه صادرات، تحریم و منع صادرات و واردات، تجارت متقابل و غیره؛
- ۲- محدودیت‌های قیمتی: عوارض ضد دامپینگ، عوارض جبرانی، تعدیل‌های مالیات

۱. برای مطالعه کامل با تفصیلات بیشتر مراجعه شود به: یحیی فتیحی، (۱۳۸۸ ب).

مرزی، وضع مالیات متغیر، سهمیه‌های تعرفه‌ای؛

۳- **محدودیت‌های تنظیمی:** صدور پروانه، الزامات مربوط به ترکیب و وجود محتوای داخلی، قوانین مربوط به استانداردهای صنعتی و ایمنی، قوانین مربوط به بسته‌بندی، برچسب کالا و نام تجاری، قوانین تبلیغاتی و رسانه‌ای؛

۴- **محدودیت‌های سرمایه‌گذاری:** کنترل ارزی و سایر نظارت‌های مالی؛

۵- **محدودیت‌های گمرکی:** الزامات مربوط به پیش پرداخت، رویه‌های ارزش گذاری گمرکی، رویه‌های طبقه‌بندی گمرکی، رویه‌های تسویه حساب گمرکی؛

۶- **مداخله مستقیم دولت:** یارانه و سایر حمایت‌ها، سیاست‌های صنعتی و توسعه منطقه‌ای، تحقیقاتی که از سوی دولت تأمین مالی می‌شوند، مالیات‌های ملی و بیمه‌های اجتماعی، سیاست‌های رقابتی، سیاست‌های مهاجرتی، سیاست‌های مربوط به خریدهای دولتی، تجارت درون مرزی، انحصارات دولتی، امتیازات انحصاری و مهاجرت.

**آزادی مالیه<sup>۱</sup> (معیار ارزیابی سیاست‌های مالیاتی):** آزادی مالیه سنج‌های است برای بار مالی دولت در سمت درآمد. این شاخص از سه عامل کمی؛ بیشینه نرخ مالیات بر درآمد اشخاص، بیشینه نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها و کل درآمد مالیاتی به‌عنوان درصدی از GDP تشکیل شده است. در محاسبه امتیاز جزء آزادی مالیه، به هر یک از متغیرهای عددی وزنی معادل یک سوم نسبت داده می‌شود. لذا محاسبه امتیاز آزادی مالیه با یک تابع هزینه درجه دو صورت می‌گیرد. داده‌های هر عامل را می‌توان با استفاده از معادله درجه دو زیر به مقیاس صفر تا ۱۰۰ تبدیل کرد:

$$FF_{ij} = 100 - \alpha F_{ij}^2$$

در این معادله  $FF_{ij}$  بیانگر آزادی مالی کشور نام برای عامل زام بوده و  $F_{ij}$  مقدار عامل زام را در کشور نام نشان می‌دهد،  $\alpha$  نیز ضریبی است که معادل ۰/۰۳ در نظر گرفته می‌شود. اندازه دولت<sup>۲</sup> (معیار ارزیابی کیفیت حکمرانی یا نظام تدبیر): این جزء، سطح مخارج دولت را به‌عنوان درصدی از GDP مدنظر قرار می‌دهد. مخارج دولت از جمله مصرف و

1. Fiscal Freedom.

2. Government Size.

پرداخت‌های انتقالی، مبنای محاسبه کل امتیاز به شمار می‌رود. نحوه محاسبه امتیاز اندازه دولت غیرخطی است بدین صورت که هرچه سطح مخارج دولت به صفر نزدیک‌تر باشد جریمه کمتری نیز به آن تعلق می‌گیرد، اما چنانچه سطح آن از ۳۰ درصد GDP تجاوز کند امتیازهای به مراتب بدتری به آن تعلق می‌گیرد (مثلاً با دو برابر شدن مخارج، آزادی مربوطه چهار برابر کاهش می‌یابد). بنابراین، دولت‌های بزرگ امتیازهای به مراتب کمتری دریافت می‌کنند. معادله مورد نظر به این شکل است:

$$GE_i = 100 - \alpha(E_i)^2$$

که در آن  $GE_i$  معرف امتیاز مخارج دولت در کشور  $i$ ام و  $E_i$  بیانگر سهم کل میزان مخارج دولت از GDP است (بین صفر تا ۱۰۰).  $\alpha$  ضریبی است که تغییرات میان امتیازها را کنترل می‌کند و همواره معادل ۰/۰۳ است. حداقل امتیاز جزء مربوطه صفر است.

**آزادی پولی** (معیار ارزیابی سیاست‌های پولی): آزادی پولی معیار ثبات پولی را با ارزیابی کنترل قیمت ترکیب می‌کند. تورم و کنترل قیمت فعالیت بازار را مختل می‌کنند. ثبات قیمت‌ها بدون مداخلات اقتصادی ایده‌آل‌ترین حالت برای بازار آزاد است. امتیاز عامل آزادی پولی براساس دو عامل؛ میانگین وزنی نرخ تورم برای سه سال اخیر و میزان کنترل‌های قیمتی تعیین می‌شود. میانگین وزنی نرخ تورم برای سه سال متوالی اخیر به‌عنوان داده اولیه وارد معادله شده تا امتیاز پایه را برای ثبات پولی محاسبه کند. بعد از ارزیابی سطح و گستره کنترل‌های قیمتی جریمه‌ای تا سقف ۲۰ امتیاز از امتیاز پایه کسر می‌شود. برای تبدیل نرخ‌های تورم به امتیاز آزادی پولی از دو معادله زیر استفاده می‌شود:

$$WInf_i = \theta_1 Inf_i + \theta_2 Inf_{i-1} + \theta_3 Inf_{i-2}$$

$$MF_i = 700 - \alpha \sqrt{WInf_i - PCP_i}$$

در این دو معادله  $\theta_1$  تا  $\theta_3$  سه عددی هستند که جمع آن‌ها برابر با یک است. این اعداد به‌طور نمایی به‌ترتیب کوچک‌تر از یکدیگر هستند ( $\theta_3 < \theta_2 < \theta_1$ ) که در این حالت  $\theta_1 = 0/665$ ،  $\theta_2 = 0/245$  و  $\theta_3 = 0/090$  است.  $Inf_{it}$  مقدار مطلق تورم سالانه را در کشور  $i$ ام در طی سال  $t$  نشان می‌دهد. این مقدار براساس شاخص قیمت مصرف‌کننده محاسبه می‌شود،  $\alpha$  ضریبی است که واریانس امتیازها را تثبیت می‌کند.  $PCP_i$  عددی است بین صفر تا ۲۰ که

متناسب با میزان کنترل قیمت‌ها به‌عنوان جریمه از امتیاز پایه کسر می‌شود.

**آزادی سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup> (معیار ارزیابی کارایی سیاست‌ها، و قوانین سرمایه‌گذاری):** این جزء به بررسی سیاست‌های یک کشور در زمینه جریان آزاد سرمایه‌گذاری (سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین جریان داخلی سرمایه) پرداخته تا به این ترتیب شناخت جامعی نسبت به فضای سرمایه‌گذاری در کشور مربوطه به‌دست آید. در این مقاله تمامی کشورها با دستورالعمل مشابه ارزیابی می‌شوند. وجود و یا عدم وجود قانون سرمایه‌گذاری خارجی که مشخص‌کننده رویه‌ها و قوانین سرمایه‌گذاری کشور است، ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی دولت از طریق رفتار عادلانه و برابر با سرمایه‌گذاران، وجود محدودیت در دسترسی به ارز خارجی، رفتار با بنگاه‌های داخلی و خارجی به‌طور یکسان مطابق با قانون، وضع محدودیت بر پرداخت‌ها، انتقال‌ها و معاملات سرمایه و تحریم سرمایه‌گذاری خارجی در یک سری صنایع خاص از جمله مباحث و مسائلی است که در این بخش لحاظ شده‌اند.

**آزادی مالی<sup>۲</sup> (معیار ارزیابی سیاست‌های مالی):** آزادی مالی شاخصی است از امنیت بانکداری و استقلال آن از دولت مرکزی. مالکیت حکومت بر بانک‌ها و سایر مؤسسه‌های مالی از جمله شرکت‌های بیمه و بازارهای سرمایه معمولاً یک وضعیت ناکارآمدی است که موجب کاهش رقابت شده و به‌طور کلی از سطح خدمات موجود می‌کاهد. امتیاز این جزء با تعیین حوزه نظارت دولت بر خدمات مالی، قلمرو دخالت حکومت بر بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی، مشکلات و موانع مربوط به تأسیس و اداره شرکت‌های خدمات مالی (برای افراد داخلی و خارجی) و نفوذ دولت بر تخصیص اعتبار، محاسبه می‌شود. بر پایه این تحلیل وضعیت مالی کشور مربوطه شناسایی شده و عددی بین صفر تا ۱۰۰ به آن نسبت داده می‌شود.

**حقوق مالکیت<sup>۳</sup> (معیار ارزیابی امنیت سرمایه):** این شاخص میزان حمایت قوانین از حقوق مالکیت فردی و همچنین میزان و کیفیت اجرای این قوانین از سوی دولت را می‌سنجد. این شاخص همچنین احتمال مصادره اموال فردی، استقلال سیستم قضایی، وجود فساد در این سیستم، و قابلیت شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در اجرای قراردادها را مورد

1. Investment Freedom.

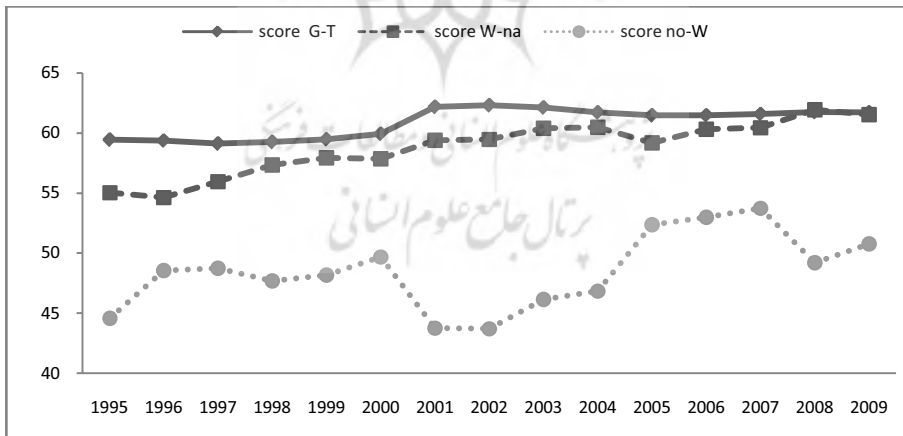
2. Financial Freedom.

3. Property Rights.

سنجش و تحلیل قرار می‌دهد. هرچه حمایت قانون از حقوق مالکیت فردی قاطعانه‌تر باشد امتیاز این جزء بالاتر بوده و هرچه احتمال مصادره اموال از سوی دولت بیشتر باشد امتیاز این جزء پایین‌تر خواهد بود. کشورهایی نیز که در حد فاصل این گروه قرار بگیرند، امتیاز متوسطی کسب خواهند کرد.

## ۴-۲. مقایسه شاخص آزادی اقتصادی برای سه گروه کشورهای عضو مؤسس، تازه‌ملحق‌شده و غیر عضو WTO

برای تجزیه و تحلیل اثرات واقعی الزامات، موافقتنامه‌ها، قواعد و مقررات WTO بر سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی کشورها لازم است این اثرات بین گروه‌های مختلف از کشورها مطابقت داده شود. برای این منظور کشورهای جهان را به سه گروه مجزا تقسیم کرده‌ایم که عبارت‌اند از؛ کشورهای مؤسس (G-T) - شامل ۱۲۸ کشور و قلمرو گمرکی - کشورهای تازه‌ملحق‌شده (W-na) - شامل ۲۵ کشوری که بعد از سال ۱۹۹۵ با طی فرایند الحاق به عضویت سازمان درآمده‌اند - و کشورهای غیر عضو (no-W) - شامل ۲۹ کشوری که متقاضی عضویت در این سازمان هستند، از جمله ایران -.



نمودار ۱- مقایسه تطبیقی روند متوسط شاخص آزادی اقتصادی برای سه گروه کشورهای عضو مؤسس (G-T)، تازه‌ملحق‌شده (W-na) و غیر عضو (no-W) بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹



همان‌طور که در نمودار (۱) نشان داده شده است، در دوره مورد بررسی متوسط شاخص آزادی اقتصادی کشورهایی که عضو GATT بوده‌اند و در سال ۱۹۹۵ بلافاصله به عضویت WTO درآمده‌اند (اعضای مؤسس) در مقایسه با بقیه کشورها بالاتر بوده است. به عبارت دیگر، عضویت این کشورها در نظام چندجانبه تجاری باعث قاعده‌مندشدن سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی آن‌ها شده و در نتیجه میزان آزادی اقتصادی در این کشورها را به سطح بالایی ارتقا داده است. هم‌چنین، کشورهایی که بعد از سال ۱۹۹۵ با طی فرایند مذاکرات الحاق عضو WTO شده‌اند (کشورهای تازه‌ملحق شده) در نتیجه پیوستن به نظام چندجانبه تجاری از طریق اعمال اصلاحات لازم در سیاست‌ها و ساختار و کیفیت نهادهای خود در چارچوب اصول، قواعد و الزامات WTO به تدریج به وضعیت بهتری نسبت به کشورهای غیرعضو دست یافته‌اند، به طوری که، حتی در سال‌های پایانی مقدار شاخص آن‌ها با کشورهای مؤسس برابر شده است.

اما برای کشورهای غیرعضو علاوه بر این که متوسط این شاخص در سطح پایین‌تری در مقایسه با کشورهای عضو WTO قرار دارد، نوسانات زیادی نیز در آن قابل مشاهده است. روند شاخص آزادی اقتصادی در مورد کشورهای غیرعضو نشان‌دهنده این واقعیت است که این کشورها هنوز نتوانسته‌اند به سطح مناسبی از آزادی اقتصادی دست پیدا کنند. قطعاً یکی از دلایل عمده این شکاف در شاخص‌های مورد بررسی عدم درگیری هدفمند این کشورها در نظام چندجانبه تجاری بوده است که به گواه شاخص‌های آزادی اقتصادی باعث بهبود در سیاست‌های اقتصادی و ساختار و کیفیت نهادهای کشورهای همگرا در اقتصاد جهانی شده است.

در جدول (۱) و نمودار (۲) می‌توان به مقایسه وضعیت شاخص‌های نهادی و شاخص‌های اقتصادی کشورهای تازه‌عضوشده پرداخت. همان‌طوری که در این شکل نشان داده شده است، شاخص‌های نهادی، روند رشد ملایمی دارد و حتی گاهی در سال‌های اولیه نوسان نیز داشته‌اند، اما مقدار متوسط شاخص‌های مربوط به سیاست‌های اقتصادی به جز در سه سال ابتدایی، روند روبه‌رشد مناسبی داشته و همواره بالاتر از مقدار متوسط شاخص‌های نهادی بوده است. این مقایسه نشان می‌دهد که تغییر در شاخص‌های نهادی به مراتب سخت‌تر و زمان‌برتر از اصلاح سیاست‌های اقتصادی است.

## جدول ۱- مقایسه شاخص‌های نهادی و اقتصادی درمورد کشورهای تازه عضو شده

سال	متوسط شاخص‌های مربوط به سیاست‌های اقتصادی	متوسط شاخص‌های نهادی
۱۹۹۵	۵۸/۳۸۰۴۶	۵۵/۰۰۷۲
۱۹۹۶	۵۵/۰۸۶۴۷	۵۳/۲۰۸۳۷
۱۹۹۷	۵۴/۵۶۰۷۶	۵۶/۶۷۸۴
۱۹۹۸	۵۷/۱۱۳۱۳	۵۶/۶۴۱۷۵
۱۹۹۹	۵۹/۵۸۰۰۲	۵۶/۶۳۰۸
۲۰۰۰	۵۸/۹۷۲۶۳	۵۵/۲۱۷۸۳
۲۰۰۱	۶۱/۳۳۷۴۹	۵۶/۹۵۹۷۸
۲۰۰۲	۶۲/۸۳۸۶۱	۵۵/۲۹۶۸۸
۲۰۰۳	۶۲/۹۹۷۶۷	۵۷/۱۲۳۹۵
۲۰۰۴	۶۲/۹۷۹۲۵	۵۷/۳۲۸۰۱
۲۰۰۵	۶۳/۲۸۱۷۸	۵۷/۷۲۲۴۹
۲۰۰۶	۶۴/۲۰۴۸۵	۵۸/۷۲۳۳۴
۲۰۰۷	۶۴/۵۵۴۴۷	۵۸/۲۱۴۲۴
۲۰۰۸	۶۵/۳۱۶۲۸	۵۸/۵۵۶۶۲
۲۰۰۹	۶۵/۰۳۵۶۳	۵۸/۰۳۴۵۳
میانگین	۶۱/۰۸۲۶۴	۵۶/۷۵۵۹۱
واریانس	۱۲/۷۷۵۶۱	۲/۳۲۰۴۷۱



## نمودار ۲- مقایسه تطبیقی روند شاخص‌های نهادی و اقتصادی درمورد کشورهای تازه ملحق شده به WTO

برای بررسی رابطه بین سیاست‌های اقتصادی و شاخص‌های نهادی تک تک کشورهای تازه ملحق شده با عضویت آن‌ها در سازمان جهانی تجارت، از یک رابطه خطی استفاده شده است، به این صورت که مقدار شاخص به صورت متغیر وابسته و تاریخ عضویت و سال‌های

مذاکره به همراه زمان، به صورت متغیر مستقل وارد مدل شده است. با این روش می‌توان متوجه شد که آیا رابطه‌ای بین طی کردن فرایند الحاق و شاخص‌های مورد نظر وجود دارد یا خیر؟ برای این منظور رابطه زیر را تخمین زده‌ایم:

$$Index = f(D_1, D_2, T)$$

در این رابطه  $D_1$  متغیر مجازی برای نشان دادن سال‌های عضویت در سازمان جهانی تجارت،  $D_2$  متغیر مجازی برای نشان دادن سال‌هایی است که کشور در حال طی کردن فرایندهای الحاق و مذاکره برای عضویت در سازمان جهانی تجارت بوده است و  $T$  نشان‌دهنده زمان است. نتیجه محاسبات در جدول (۲) ارائه شده است. با توجه به این ارقام به‌طور کلی می‌توان گفت که کشورهای تازه ملحق شده به WTO در طی سال‌های مذاکره و در سال‌های بعد از عضویت تلاش‌های گسترده‌ای در جهت بهبود شاخص‌های خود داشته‌اند، که بعضی از آن‌ها موفق شده‌اند به مقدار زیادی مقادیر شاخص‌های نهادی و اقتصادی خود را بهبود بخشند.

**جدول ۲- مقایسه اثرات عضویت در WTO بر روی شاخص‌های نهادی و سیاست‌های اقتصادی کشورهای تازه ملحق شده منتخب**

نام کشور	نوع شاخص	مقدار $D_1$	مقدار $D_2$	زمان	توضیحات
آلبانی	نهادی	-۶/۵	-۴/۰۲	۰/۹۳	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات و بعد از عضویت
	سیاست اقتصادی	۴/۹	۶/۴	۱/۰۶	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
ارمنستان	نهادی	۰/۳۷	-۶/۰۳	-۰/۵۲	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات اما بهبود آن بعد از عضویت
	سیاست اقتصادی	-۳/۸	۱/۳	-	بهبود شاخص در طی مذاکرات اما عدم بهبود آن بعد از عضویت
چین	شاخص‌های نهادی	-۴/۴۵	-	-۰/۱	عدم بهبود شاخص بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	-۰/۷۲	-	۰/۶۱	عدم بهبود شاخص بعد از عضویت
کامبوج	شاخص‌های نهادی	۷/۸	۵/۸	۱۳/۱	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	-۴/۷۹	۲	۰/۷۳	بهبود شاخص در طی مذاکرات اما عدم بهبود آن بعد از عضویت
اکوادور	شاخص‌های نهادی	-۹/۳۷	-۳۷/۰	-۰,۲۴	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	-۴/۲	۶۴/۳	۰/۷	بهبود شاخص در طی مذاکرات و عدم بهبود بعد از عضویت
استونی	شاخص‌های نهادی	-۱۷/۱	-۱/۳۴	۰/۳۴	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۸/۶	۲/۰۲	۰/۷۴	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت

نام کشور	نوع شاخص	مقدار $D_1$	مقدار $D_2$	زمان	توضیحات
گرجستان	شاخص‌های نهادی	-۵/۹	۱/۹	۲/۸	بهبود شاخص در طی مذاکرات و عدم بهبود بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۷/۴	۰/۵۹	۰/۹۹	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
اردن	شاخص‌های نهادی	۱/۴	۰/۲۶	-۰/۶۱	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۴/۹	۲/۹	۰/۳۷	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
لیتوانی	شاخص‌های نهادی	۰/۲۳	۱۶/۱	۰/۳۷	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۵/۰۳	-۰/۵۱	۰/۶۲	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات اما بهبود آن بعد از عضویت
مالدیو	شاخص‌های نهادی	۷/۸	۲/۵	-۰/۵	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۳/۶	۰/۵۵	۰/۴۷	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
عمان	شاخص‌های نهادی	-۹/۱۱	-۸/۲	-	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۳/۹	۱/۸۶	۰/۱	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
عربستان	شاخص‌های نهادی	۰/۸۴	۱/۵۴	۰/۹۲	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۴/۸	۲/۶	-۰/۹	بهبود شاخص هم در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت
تایوان	شاخص‌های نهادی	۱۱	-۱/۶	-۱/۹	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات اما بهبود آن بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	۱۷/۷	-۷/۶۸	-۱	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات اما بهبود آن بعد از عضویت
اوکراین	شاخص‌های نهادی	-۴/۵۸	۴	۰/۵۱	بهبود شاخص در طی مذاکرات اما عدم بهبود آن بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	-۴/۹	۰/۹	۱/۷	بهبود شاخص در طی مذاکرات اما عدم بهبود آن بعد از عضویت
ویتنام	شاخص‌های نهادی	۳/۱۹	-	۰/۶	بهبود شاخص بعد از عضویت
	سیاست‌های اقتصادی	-۳/۷	-۰/۴۷	۱/۲	عدم بهبود شاخص در طی مذاکرات و هم بعد از عضویت

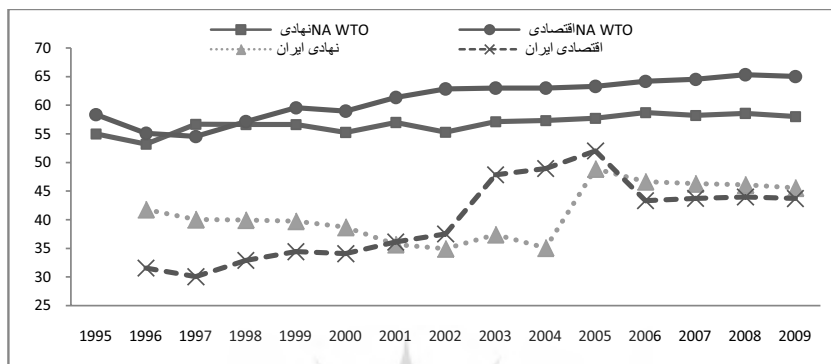
منبع: محاسبات محقق.

### ۳-۴. مقایسه شاخص‌ها و تحلیل شکاف برای اقتصاد ایران

در نمودار (۳) می‌توان به مقایسه روند و شکاف بین متوسط شاخص‌های مربوط به سیاست‌های اقتصادی و متوسط شاخص‌های نهادی کشورهای تازه‌ملحق شده و ایران پرداخت. همان‌طور که مشخص است، متوسط این مقادیر برای ایران در کل دوره مورد بررسی پایین‌تر از کشورهای تازه‌ملحق شده بوده است. به علاوه مقادیر این شاخص‌ها برای ایران از نوسان زیادی برخوردار است، در حالی که برای دیگر کشورها روند نسبتاً باثبات‌تری دارد.

در این قسمت برای تحلیل چرایی این روند و ارائه دلایل بروز این شکاف‌ها و راهکارهای

برونرفت از وضعیت موجود، برای کسب آمادگی‌های لازم برای الحاق هدفمند و مؤثر ایران به سازمان جهانی تجارت، به بررسی تک تک اجزای شاخص آزادی اقتصادی برای ایران در مقایسه به اعضای جدید سازمان جهانی تجارت می‌پردازیم.



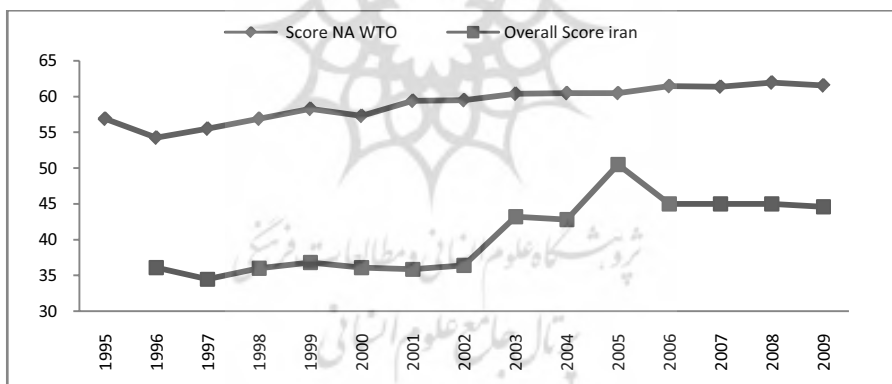
### نمودار ۳- مقایسه تطبیقی روند شاخص‌های نهادی و اقتصادی برای ایران و کشورهای تازه ملحق شده به WTO

**کل آزادی اقتصادی:** اگر شاخص آزادی اقتصادی ایران را با میانگین شاخص آزادی اقتصادی برای کشورهای تازه ملحق شده مقایسه کنیم (نمودار ۴)، متوجه خواهیم شد که متوسط این شاخص برای کشورمان بسیار پایین‌تر از مقدار متوسط کشورهای تازه ملحق شده و در عین حال دارای نوسانات زیادی است.

نکته بسیار حائز اهمیت در این بررسی این است که تغییرات مثبت در شاخص آزادی اقتصادی ایران درست در دوره‌ای اتفاق افتاده - به ویژه در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ - که اصلاحات اساسی در سیاست‌های اقتصادی کشور اتفاق افتاده است. از جمله اصلاحات اقتصادی عمده‌ای که در این دوره به بهبود اجزای شاخص آزادی اقتصادی کمک کرده است، می‌توان به سیاست‌های مرتبط با آزادسازی تجارت خارجی - از طریق لغو بسیاری از مجوزهای وارداتی، اصلاح تعرفه‌ها و یکسان‌سازی عوارض، تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌های معادل - لغو انحصارات دولتی، اصلاح نظام مالیاتی - از طریق تصویب قانون جدید مالیات‌ها و کاهش نرخ‌های مالیات بر درآمد اشخاص و شرکت‌ها - خصوصی‌سازی و ایجاد فضای رقابتی برای توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی،

تأسیس بانک‌های خصوصی، تأسیس بیمه‌های خصوصی، و سیاست‌های کاهش تصدی‌گری‌های دولتی، تک‌نرخی شدن ارز، تصویب قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تدوین قانون تجارت الکترونیکی، کنترل فساد اداری و... اشاره کرد، که در کنار سایر سیاست‌ها و اصلاحات مؤثر در این دوره، به گواه شاخص‌های مورد بررسی شرایط بهتری را برای حضور ایران در اقتصاد جهانی فراهم کرده‌است.

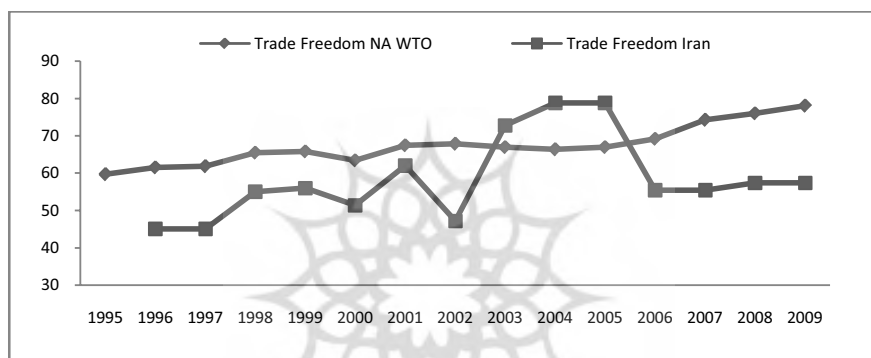
از سوی دیگر، شکاف قابل ملاحظه بین مقدار شاخص آزادی اقتصادی برای ایران در مقایسه با متوسط شاخص کشورهای تازه ملحق شده به WTO نشان می‌دهد که عدم همگرایی ایران در نظام چندجانبه تجاری، از جمله عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت، باعث شده است تا شکاف زیادی بین سیاست‌های اقتصادی و ساختار و کیفیت نهادی کشور به وجود آید به نحوی که در تمام سال‌های مورد بررسی شاخص آزادی اقتصادی ایران از میانگین جهانی این شاخص پایین‌تر بوده است.



#### نمودار ۸- مقایسه تطبیقی روند شاخص آزادی اقتصادی ایران با متوسط کشورهای تازه ملحق شده به WTO

**آزادی تجارت:** بررسی روند این شاخص برای ایران از نوسان‌های زیادی حکایت می‌کند. همان‌طوری که در نمودار (۵) مشاهده می‌شود، در حالی که طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۶ (به استثنای سال ۲۰۰۲) اعمال سیاست‌های آزادسازی تجارت خارجی کشور به افزایش شاخص آزادی تجارت ایران از حدود ۴۵ به سطح ۷۸/۸ انجامیده است، که حتی

فرا تر از متوسط شاخص مذکور برای کشورهای تازه ملحق شده به WTO است، عدم پایبندی به سیاست‌های اصلاحی در سال‌های بعد به کاهش مداوم شاخص آزادی تجارت ایران تا سطح ۵۷/۴ در سال ۲۰۰۹ انجامیده است. همین عامل باعث شده است که برخورداری ایران از شاخص آزادی تجارت به سطحی پائین تر از کشورهای تازه ملحق شده تنزل یابد. در حال حاضر وضعیت شاخص آزادی تجارت ایران با توجه به امتیاز کسب شده در سال ۲۰۰۹ حاکی از بالا بودن نسبی متوسط تعرفه‌ها و وجود موانع متعدد غیر تعرفه‌ای فراروی تجارت خارجی کشور است.

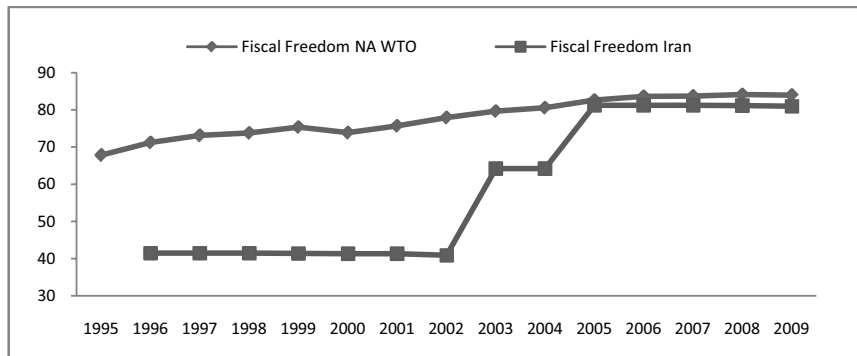


### نمودار ۵- مقایسه تطبیقی روند شاخص آزادی تجارت برای ایران و کشورهای تازه ملحق شده به WTO

**آزادی مالیه:** این شاخص برای ایران تا سال ۲۰۰۲ عدد ثابتی را نشان می‌دهد، اما مقدار این شاخص با دو افزایش جهشی در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ به سطح قابل قبولی دست یافته است. به طوری که امتیاز شاخص آزادی مالیه ایران در سال ۲۰۰۵ به سطح متوسط کشورهای تازه ملحق شده به WTO بالغ شده و در سال‌های بعد نیز تقریباً در همین سطح باقی مانده است. (نمودار ۶).

می‌توان گفت عمده‌ترین اصلاحاتی که در سیاست‌های مالیاتی کشور به بهبود شاخص آزادی مالیه ایران کمک کرده است، اصلاح نرخ مالیات بر درآمد اشخاص، به ویژه افزایش سنواتی سقف معافیت مالیاتی، اصلاح نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها، از جمله حذف مالیات مضاعف بر سود سهام، و کاهش سهم مالیات، به ویژه مالیات مستقیم، از کل درآمدهای دولت

است. البته بخشی از آن مرهون افزایش سایر درآمدهای دولت، بالاخص افزایش درآمد دولت از محل صادرات نفت در نتیجه افزایش قیمت جهانی این فرآورده، بوده است.

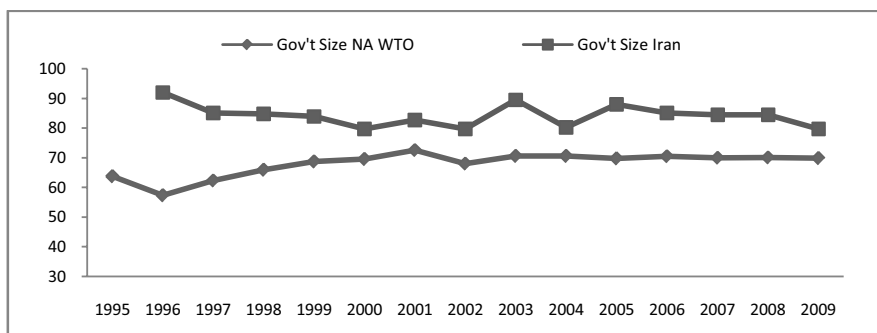


### نمودار ۶- مقایسه تطبیقی روند شاخص آزادی مالیه برای ایران و کشورهای تازه ملحق شده به WTO

**اندازه دولت:** همان طور که قبلاً توضیح داده شد، این شاخص سطح مخارج دولت، از جمله مصارف عمومی و پرداخت‌های انتقالی، را به عنوان درصدی از GDP مدنظر قرار می‌دهد. اندازه دولت در ایران، به خاطر وابسته بودن به درآمدهای نفتی، از نوسانات زیادی برخوردار است، اما علی‌رغم نوسان زیاد، روند ملایم کاهشی دارد، به این معنی که اندازه دولت در اقتصاد ایران برخلاف روند قابل مشاهده در کشورهای تازه ملحق شده به WTO، که حاکی از کاهش تدریجی متوسط اندازه دولت در این کشورها طی سال‌های مورد بررسی، افزایش یافته است. به نظر می‌رسد بخشی از افزایشی که در اندازه دولت در اقتصاد ایران، به ویژه از سال ۲۰۰۵ به بعد اتفاق افتاده ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت و به تبع آن افزایش درآمدهای نفتی دولت در این سال‌هاست.

از سوی دیگر، این جزء تنها جزئی از اجزای ده‌گانه شاخص آزادی اقتصادی است که در آن ایران وضعیت بهتری نسبت به اعضای جدید WTO دارد. ولی همان طوری که در نمودار (۷) مشاهده می‌شود، با توجه به روند معکوس تغییرات اندازه دولت ایران در مقایسه با کشورهای مورد نظر به مرور شکاف شاخص در دوره مورد بررسی به ضرر اقتصاد ایران تغییر یافته است.

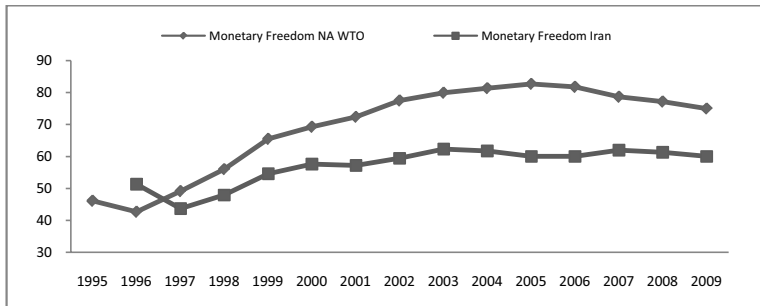




### نمودار ۷- مقایسه تطبیقی روند شاخص اندازه دولت برای ایران و کشورهای تازه‌ملحق‌شده به WTO

**آزادی پولی:** همان‌طور که در نمودار (۸) مشاهده می‌شود، مقدار شاخص ثبات پولی برای ایران، با نوسان‌های محدودی که قابل‌مشاهده است، در مجموع از یک روند افزایشی داشته است. اما در عین حال، با توجه به رشد پرشتاب این شاخص برای اعضای جدید WTO، به تدریج شکاف شاخص تا سال ۲۰۰۵ افزایش یافته؛ ولی بعد از این سال، در نتیجه روند باثبات امتیاز ایران در مقایسه با روند کاهشی آن برای کشورهای مورد نظر، مجدداً شکاف ثبات پولی ایران با اعضای جدید سازمان کاهش یافته است. ولی به هر حال بروز تورم پیوسته در اقتصاد ایران و دخالت دولت در مکانیزم قیمت‌ها مانع از بهبود لازم در این شاخص شده است.

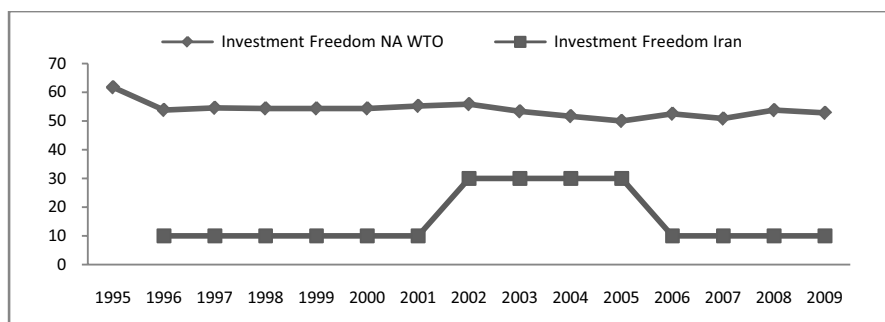
همان‌طور که مشاهده می‌شود، روند شاخص آزادی پولی برای کشورهای تازه‌ملحق‌شده یک تابع درجه سوم دارد، به این معنا که ابتدا امتیاز مربوطه کاهش می‌یابد، سپس افزایش یافته و سرعت رشد شاخص رفته‌رفته کم می‌شود تا این که رشد شاخص متوقف می‌شود و حتی در سال‌های پایانی مقدار آن رو به کاهش می‌گذارد. یکی از دلایل اصلی سیر نزولی این شاخص و کاهش آزادی پولی در کشورهای مورد نظر این است که در نتیجه بروز بحران اقتصادی جهانی در سال‌های ۲۰۰۷ به بعد، دولت این کشورها ناگزیر از دخالت در بازار پول و کنترل سیاست‌های پولی، از طریق دستکاری نرخ بهره بانکی و دخالت در مکانیزم قیمت، با هدف کنترل آثار مخرب بحران بر بخش‌های واقعی اقتصاد خود بوده است. ضمن این که بروز تورم در اکثر کشورهای مورد نظر روند نزولی شاخص را تشدید کرده است.



### نمودار ۸- مقایسه تطبیقی روند شاخص آزادی پولی برای ایران و کشورهای تازه ملحق شده به WTO

**آزادی سرمایه‌گذاری:** این جزء به ارزیابی سیاست‌های یک کشور در زمینه جریان آزاد سرمایه‌گذاری پرداخته و ارزیابی کلی از فضای سرمایه‌گذاری در کشورها ارائه می‌دهد. صرف‌نظر از روند شاخص آزادی سرمایه‌گذاری برای اقتصاد ایران، که به دلیل گزارش مقادیر ثابت ۱۰ برای سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۶ و ۲۰۰۶-۰۹ و ۳۰ برای سال‌های ۲۰۰۲-۰۵، غیرقابل مقایسه است، شکاف موجود بین آزادی سرمایه‌گذاری در ایران حتی در مقایسه با متوسط کشورهای تازه ملحق شده به WTO به‌ویژه در دو دوره اول و سوم قابل ملاحظه و بسیار نگران‌کننده است. (نمودار ۹)

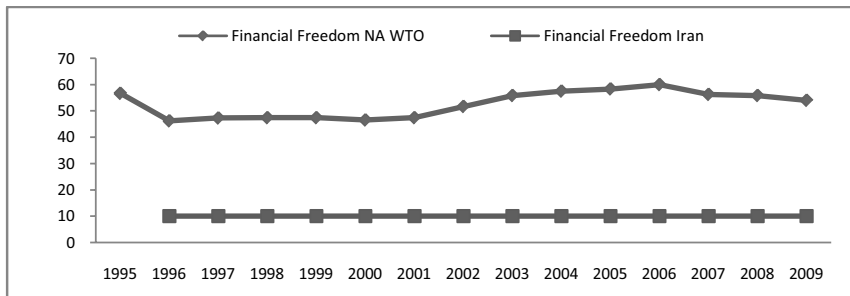
امتیاز ۱۰ برای شاخص آزادی سرمایه‌گذاری در ایران برای سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۶ و ۲۰۰۶-۰۹ حاکی از آن است که در این سال‌ها سرمایه‌گذاران خارجی قادر به خرید دایی‌های ثابت، بالاخص زمین، در ایران نبوده‌اند و دولت عمده پرداخت‌ها، انتقالات ارزی و انتقال بین‌المللی سرمایه را در کنترل داشته و یا در عمل ممنوع ساخته است. اما بهبود نسبی امتیاز ایران در سال‌های ۲۰۰۲-۰۵ حاکی از آن است که در نتیجه اتخاذ سیاست‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری خارجی، از جمله تصویب و ابلاغ قانون سرمایه‌گذاری خارجی، وضعیت نسبتاً بهتری به وجود آمده است. با این وجود امتیاز ۳۰، طبق معیارهای ارائه شده، نشان‌دهنده این است که در این سال‌ها سرمایه‌گذاری خارجی به‌شدت محدود بوده و قانون سرمایه‌گذاری خارجی تبعیض‌آمیز عمل کرده است، سرمایه‌گذاران خارجی فقط تحت یک سری شرایط خاص قادر به خرید مستغلات بوده‌اند، تمامی سرمایه‌گذاران با موانع بوروکراتیک و فساد قابل ملاحظه‌ای مواجه‌اند، افراد مقیم و غیرمقیم برای دسترسی به ارز خارجی با محدودیت‌های جدی روبه‌رو بوده و دولت پرداخت‌های بین‌المللی را به‌شدت کنترل کرده است.



### نمودار ۹- مقایسه تطبیقی روند شاخص آزادی سرمایه‌گذاری برای ایران و کشورهای تازه ملحق‌شده به WTO

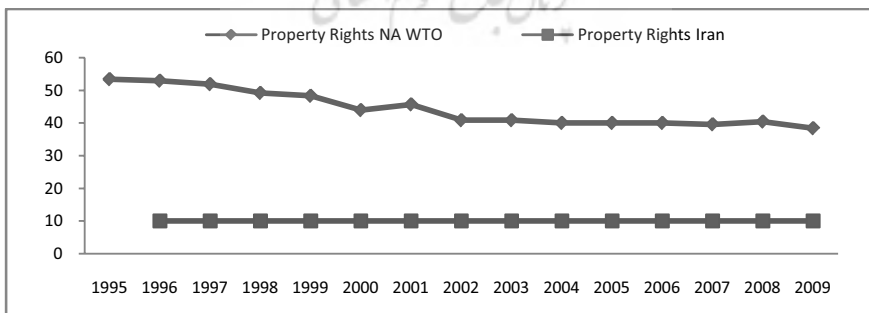
**آزادی مالی:** همان‌طور که در نمودار ۱۰ مشاهده می‌شود، طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ مقدار متوسط این شاخص برای کشورهای تازه عضو شده روند نسبتاً باثباتی داشته است. اما از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ با طی یک روند افزایش حکایت از آزادسازی‌های بیشتر در بازارهای مالی این کشورها دارد. طی سال ۲۰۰۷ و سال‌های پس از آن با بروز بحران مالی و اقتصادی در سطح جهان روند آزادسازی در بازارهای مالی اعضای جدید WTO نیز تحت تأثیر قرار گرفته و روند معکوس در پیش گرفته است.

مقدار این شاخص برای ایران در تمام سال‌های مورد مطالعه در حد بسیار پایین برآورد شده و از عدم وجود شرایط مناسب آزادی مالی در ایران حکایت دارد. اعلام امتیاز ۱۰ در این شاخص برای اقتصاد ایران که با متوسط امتیاز بالای ۵۰ برای اعضای جدید سازمان فاصله زیادی را نشان می‌دهد به این معنی است که حوزه نظارت دولت بر خدمات مالی و قلمرو دخالت دولت در بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی بسیار محدودکننده بوده و مشکلات و موانع زیادی فراروی فعالین اقتصادی برای تأسیس و اداره شرکت‌های خدمات مالی (اعم از افراد داخلی یا خارجی) وجود دارد. از سوی دیگر، عدم استقلال بانک مرکزی، کنترل بیش از حد دولت بر تخصیص اعتبارات، محدودیت‌های فراوان فراروی تأسیس بانک‌های خصوصی، بالاخص بانک‌های خارجی و شعبات آن‌ها و محدودیت کامل برای تأسیس و فعالیت مؤسسات مالی خارجی باعث شده است تا امتیاز این شاخص تا این حد در مقایسه با اعضای قدیم و جدید WTO تنزل یابد.



### نمودار ۱۰- مقایسه تطبیقی روند شاخص آزادی مالی برای ایران و کشورهای تازه ملحق شده به WTO

**حقوق مالکیت:** وجود شکاف بین مقدار امتیاز ایران از این شاخص با متوسط کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، اعم از اعضای جدید و قدیم این سازمان، قابل ملاحظه است (نمودار ۱۱). برآورد امتیاز ۱۰ برای شاخص حقوق مالکیت در ایران به این معنی است که اولاً بخش عمده‌ای از دارایی‌ها در اختیار دولت می‌باشد، ثانیاً سیستم قضایی از کارآمدی لازم در دفاع از حقوق مالکیت برخوردار نیست، ثالثاً براساس ارزیابی سازمان‌های بین‌المللی فساد اداری در اقتصاد ایران در سطح بالایی قرار دارد، ضمن این که امکان مصادره اموال نیز وجود دارد. هرچند امتیاز این شاخص در مورد ایران، ممکن است در داخل کشور به میزان زیادی بدبینانه تلقی شود، ولی به‌رحال نمی‌توان کتمان کرد که این محاسبات و ارزیابی‌ها مورد استناد و عیار تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی بوده و به استناد آمار موجود در سال‌های گذشته نیز بی‌تأثیر نبوده است.



### نمودار ۱۱- مقایسه تطبیقی روند شاخص حقوق مالکیت برای ایران و کشورهای تازه ملحق شده به WTO

## جدول ۳- کشورهای تازه ملحق شده

نام کشور	درخواست عضویت	اولین جلسه گروه کاری	عضویت قطعی	طول دوره الحاق (فاصله درخواست تا عضویت)
اکوادور	1 September 1992	1 July 1993	1 January 1996	۳ سال و ۴ ماه
بلغارستان	1 September 1986	1 July 1993	1 December 1996	۱۰ سال و ۳ ماه
مغولستان	1 July 1991	1 June 1993	1 January 1997	۵ سال و ۶ ماه
پاناما	1 August 1991	1 April 1994	1 September 1997	۵ سال و ۱ ماه
قرقیزستان	1 February 1996	1 March 1997	1 December 1998	۲ سال و ۱۰ ماه
لیتوانی	1 November 1993	1 March 1995	1 February 1999	۳ سال و ۳ ماه
استونی	1 March 1994	1 November 1994	1 November 1999	۵ سال و ۸ ماه
اردن	1 January 1994	1 October 1996	1 April 2000	۶ سال و ۴ ماه
گرجستان	1 July 1996	1 March 1998	1 June 2000	۴ سال و ۱ ماه
آلبانی	1 November 1992	1 April 1996	1 September 2000	۷ سال و ۱۰ ماه
عمان	1 April 1996	1 April 1997	1 November 2000	۴ سال و ۷ ماه
کرواسی	1 September 1993	1 April 1996	1 November 2001	۷ سال و ۲ ماه
لیتوانی	1 January 1994	1 November 1995	1 May 2001	۷ سال و ۵ ماه
مولداوی	1 November 1993	1 June 1997	1 July 2001	۷ سال و ۴ ماه
چین	1 July 1986	1 October 1987	1 December 2001	۱۵ سال و ۵ ماه
تایوان	1 January 1992	1 November 1992	1 January 2002	۱۰ سال
ارمنستان	1 November 1993	1 January 1996	1 February 2003	۹ سال و ۳ ماه
مقدونیه	1 December 1994	1 July 2000	1 April 2003	۸ سال و ۳ ماه
نپال	1 May 1989	1 May 2000	1 April 2004	۱۴ سال و ۱۱ ماه
کامبوج	1 December 1994	1 May 2001	1 October 2004	۹ سال و ۱۰ ماه
عربستان سعودی	1 June 1993	1 May 1996	1 December 2005	۱۲ سال و ۷ ماه
ویتنام	1 January 1995	1 July 1998	1 January 2007	۱۲ سال
اوکراین	30 November 1993	17 December 1993	16 May 2008	۱۴ سال و ۶ ماه
تونگو	1 June 1995	1 April 2001	1 July 2007	۶ سال و ۳ ماه
کاپ ورد	11 November 1999	17 July 2000	23 July 2008	۸ سال و ۸ ماه

Source: 1) Technical Note on the Accession Process: WT/ACC/10/Rev.3: 2005, 2) <http://www.wto.org>

جدول ۸- روند شاخص آزادی اقتصادی و اجزای آن برای ایران  
طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹

سال	شاخص کل	آزادی کسب و کار	آزادی تجارت	آزادی مالیه	اندازه دولت	آزادی پولی	آزادی سرمایه‌گذاری	آزادی مالی	حقوق مالکیت	سلامت اداری	آزادی کار
۲۰۰۹	۴۴/۶	۶۰/۶	۵۷/۴	۸۱	۷۹/۷	۰/۶۱	۱۰	۱۰	۱۰	۲۵	۵۲/۴
۲۰۰۸	۴۵	۵۵/۸	۵۷/۴	۸۱/۱	۸۴/۵	۶۱/۳	۱۰	۱۰	۱۰	۲۷	۵۳/۱
۲۰۰۷	۴۵	۵۵/۴	۵۵/۴	۸۱/۲	۸۴/۵	۶۲	۱۰	۱۰	۱۰	۲۹	۵۲/۵
۲۰۰۶	۴۵	۵۶/۱	۵۵/۴	۸۱/۲	۸۵/۱	۶۰/۱	۱۰	۱۰	۱۰	۲۹	۵۳
۲۰۰۵	۵۰/۵	۴۰	۷۸/۸	۸۱/۲	۸۸	۶۰/۱	۳۰	۱۰	۱۰	۳۰	۷۶/۴
۲۰۰۴	۴۲/۸	۴۰	۷۸/۸	۲/۶۴	۸۰/۲	۶۱/۷	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۲۰۰۳	۴۳/۲	۴۰	۷۲/۸	۲/۶۴	۸۹/۶	۶۲/۳	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۲۰۰۲	۳۶/۴	۴۰	۴۷/۲	۰/۴۹	۷۹/۷	۵۹/۵	۳۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۲۰۰۱	۳۵/۹	۴۰	۶۲	۴۱/۳	۸۲/۷	۵۷/۲	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۲۰۰۰	۳۶/۱	۵۵	۵۱/۴	۴۱/۳	۷۹/۷	۵۷/۶	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۱۹۹۹	۳۶/۸	۵۵	۵۶	۴۱/۴	۸۴	۵۴/۶	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۱۹۹۸	۳۶	۵۵	۵۵	۴۱/۵	۸۴/۸	۴۸	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۱۹۹۷	۳۴/۵	۵۵	۴۵	۴۱/۵	۸۵/۱	۴۳/۷	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	-
۱۹۹۶	۳۶/۱	۵۵	۴۵	۴۱/۵	۲/۹۱	۵۱/۳	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	-

Source: Heritage Foundation, (2009).

### جمع‌بندی و ملاحظات

یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد، علاوه بر نهادسازی و اصلاح ساختار نهادی کشورها، کیفیت نهادی کشورهای تازه‌ملحق‌شده نیز در نتیجه سپری کردن فرایند الحاق به WTO در مقایسه با سایر کشورهای مورد بررسی بهبودی قابل ملاحظه‌ای داشته است.

در دوره مورد بررسی متوسط شاخص آزادی اقتصادی اعضای مؤسس WTO در مقایسه با بقیه کشورها بالاتر بوده است. به عبارت دیگر، عضویت این کشورها در نظام چندجانبه تجاری باعث قاعده‌مندشدن سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی آن‌ها شده و در نتیجه میزان آزادی اقتصادی را در این کشورها به سطح بالایی ارتقای داده است. هم‌چنین کشورهایی که بعد از سال ۱۹۹۵ با طی کردن فرایند مذاکرات الحاق عضو WTO شده‌اند (کشورهای تازه‌ملحق‌شده) در نتیجه پیوستن به نظام چندجانبه تجاری از طریق اعمال اصلاحات لازم در

سیاست‌ها و ساختار و کیفیت نهادهای اقتصادی خود در چارچوب اصول، قواعد و الزامات WTO به تدریج به وضعیت بهتری نسبت به کشورهای غیر عضو دست یافته‌اند. بررسی آماری رابطه بین تغییرات در شاخص‌های سیاست اقتصادی و نهادی با طی فرایندها و مذاکرات الحاق حاکی از آن است که رابطه مثبت و معنی‌داری بین این دو وجود دارد. به این معنی که کشورهای تازه ملحق شده به WTO در طی سال‌های مذاکره و در سال‌های بعد از عضویت تلاش‌های گسترده‌ای در جهت بهبود شاخص‌های خود داشته‌اند، و بعضی از آن‌ها موفق شدند به مقدار زیادی مقادیر شاخص‌های نهادی و اقتصادی خود را بهبود بخشند.

همچنین شکاف قابل ملاحظه بین مقدار شاخص آزادی اقتصادی برای ایران در مقایسه با متوسط شاخص کشورهای تازه ملحق شده به WTO نشان می‌دهد که عدم همگرایی ایران در نظام چندجانبه تجاری از جمله عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت باعث شده است تا شکاف زیادی بین سیاست‌های اقتصادی و ساختار و کیفیت نهادی کشور به وجود آید، به نحوی که در تمام سال‌های مورد بررسی شاخص آزادی اقتصادی ایران از میانگین جهانی این شاخص پایین‌تر بوده است.

طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴، اصلاح سیاست‌های اقتصادی مرتبط با آزادسازی تجارت خارجی از طریق لغو بسیاری از مجوزهای وارداتی، اصلاح تعرفه‌ها و یکسان‌سازی عوارض، تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه‌های معادل، لغو انحصارات دولتی، اصلاح نظام مالیاتی از طریق تصویب قانون جدید مالیات‌ها و کاهش نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌ها، خصوصی‌سازی و ایجاد فضای رقابتی برای توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی، تأسیس بانک‌های خصوصی، تأسیس بیمه‌های خصوصی، و سیاست‌های کاهش تصدی‌گری‌های دولتی، تک‌نرخ‌شدن ارز، تصویب قانون جدید تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، تدوین قانون تجارت الکترونیکی، به تغییرات مثبت در شاخص آزادی اقتصادی ایران انجامیده است.

### توصیه‌های سیاستی

۱. اصلاح سیاست‌ها و نهادهای بازرگانی خارجی کشور با هدف ارتقای شاخص آزادی

**تجارت از طریق:** اصلاح نظام تعرفه‌ای کشور به وسیله حذف یا تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه، کاهش تدریجی تعرفه‌های مورد عمل (در این راستا، رفع تدریجی محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای زیر: محدودیت‌های مقداری؛ نظیر سهمیه‌های وارداتی، محدودیت‌های صادرات، محدودیت داوطلبانه صادرات و...، محدودیت‌های قیمتی؛ نظیر عوارض ضد دامپینگ، تعدیل‌های مالیات مرزی، وضع مالیات متغیر، سهمیه‌های نرخ تعرفه و...، محدودیت‌های تنظیمی؛ نظیر الزامات مربوط به صدور پروانه، استانداردهای صنعتی و ایمنی، محتوای داخلی،... محدودیت‌های سرمایه‌گذاری؛ نظیر کنترل ارزی و سایر نظارت‌های مالی، محدودیت‌های گمرکی؛ نظیر الزامات مربوط به پیش پرداخت، رویه‌های ارزش‌گذاری گمرکی، رویه‌های طبقه‌بندی و تسویه حساب گمرکی، کاهش مداخله‌های مستقیم دولت؛ نظیر یارانه و سایر حمایت‌ها، سیاست‌های خرید دولتی، انحصارات دولتی و امتیازهای انحصاری، ضرورت دارد).

## ۲. اصلاح سیاست‌ها و نهادهای مالیاتی کشور با هدف ارتقای کارآمدی سیاست‌های

**مالیاتی از طریق:** اصلاح نرخ مالیات بر درآمد اشخاص، به‌ویژه افزایش سنواتی سقف معافیت مالیاتی و کاهش بیشینه نرخ مالیات بر درآمد اشخاص؛ اصلاح نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها، از جمله حذف مالیات مضاعف بر سود سهام و؛ کاهش بیشینه نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها؛ کاهش سهم مالیات، به‌ویژه مالیات مستقیم، از کل درآمدهای دولت.

## ۳. ارتقای نظام تدبیر (حکمرانی) کشور و شاخص اندازه دولت از طریق: کاهش

تدریجی مخارج دولت و نسبت آن به GDP (به‌وسیله تسریع در اجرای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، کاهش تصدی‌گری‌های دولت از طریق خصوصی‌سازی و واگذاری بخش‌های قابل واگذاری از اقتصاد کشور، کنترل بودجه‌های سنواتی با هدف کاهش سهم مصارف عمومی و مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی)، و رهایی تدریجی از وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی.

## ۴. اصلاح سیاست‌ها و نهادهای پولی کشور با هدف ارتقای شاخص ثبات پولی از طریق:

استقلال تدریجی بانک مرکزی، به‌نحوی که از نظر مقررات، عملکرد و کیفیت خدمات در سطح استانداردهای بین‌المللی باشد، کنترل تورم، کاهش کنترل‌های قیمتی و آزادسازی تدریجی قیمت‌ها.



۵. اصلاح سیاست‌ها و نهادهای سرمایه‌گذاری کشور با هدف ارتقای شاخص آزادی سرمایه‌گذاری از طریق: اصلاح قانون سرمایه‌گذاری خارجی کشور، که مشخص‌کننده رویه‌ها و قوانین سرمایه‌گذاری کشور است، با هدف ترغیب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی دولت؛ رفتار یکسان و عادلانه و برابر با قانون با اشخاص، سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های داخلی و خارجی؛ ایجاد ثبات در برخوردهای دولت و ارائه ضمانت‌های قانونی لازم برای جلب اعتماد خارجی‌ان؛ رفع محدودیت‌های موجود در دسترسی به ارز خارجی؛ رفع محدودیت‌های موجود بر پرداخت‌ها، انتقال‌ها و معاملات سرمایه؛ تلاش در جهت رفع تحریم‌های خارجی بر سرمایه‌گذاری در ایران.
۶. اصلاح سیاست‌ها و نهادهای مالی کشور با هدف دستیابی به سطح مناسبی از توسعه مالی و ارتقای شاخص آزادی مالی از طریق: ایجاد ثبات در بازارهای مالی و آزادی فعالیت‌های قانونمند و مؤثر عرضه‌کنندگان منابع و خدمات مالی داخلی و خارجی، محدودسازی نظارت و کنترل بانک مرکزی مستقل بر مؤسسات مالی به تدریج و در یک مسیر برنامه‌ریزی شده به سطح محدود به اعمال تعهدات پیمانی و جلوگیری از کلاهبرداری، ابتدای تدریجی تخصیص اعتبارات بر مناسبات و علائم بازار، واگذاری تدریجی بانک‌ها و مؤسسات مالی دولتی به بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، توسعه خدمات مالی مؤسسه‌های مالی داخلی و خارجی با نظارت بانک مرکزی مستقل، ایجاد امکان و تسهیل ارائه خدمات ارزی و مبادلات از طریق ارز خارجی برای بانک‌ها، آزادی فعالیت بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی خارجی تحت ضوابط و نظارت بانک مرکزی مستقل.
۷. اصلاح سیاست‌ها و نهادهای حقوقی و قضائی با هدف تضمین حقوق مالکیت از طریق: ضمانت و حراست حقوق مالکیت توسط دولت و در سطح استانداردهای جهانی، ارتقای استانداردهای سیستم قضایی کشور به حدی که بتواند از کارایی و سرعت کافی در اجرای قراردادها برخوردار شود، جلوگیری از هرگونه امکان تصرف و مصادره دارایی‌های شخصی، تجهیز سیستم قضایی به ابزارها و اختیارات لازم و کافی برای برخورد با هرگونه تهدید برای دارایی‌های شخصی.

## منابع

شوماخر، ای. اف. (۱۳۶۵)؛ کوچک، زیباست، ترجمه علی رامین، انتشارات سروش، تهران، چاپ دوم.

غفاری، هادی (۱۳۸۳)؛ نقش دولت در نظام‌های اقتصادی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.

فتحی، یحیی (۱۳۸۸ الف)؛ دیپلماسی تجاری: اصول و مبانی، عوامل تعیین کننده و تجربه کشورهای منتخب، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

فتحی، یحیی (۱۳۸۸ ب)؛ بررسی و تدوین تحولات مورد نیاز در سیاست‌ها و ساختار نهادهای اقتصادی ایران در راستای الحاق به سازمان جهانی تجارت (WTO)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

کیندل برگر، چارلز (۱۳۵۱)؛ ترجمه: رضا صدوقی، مبانی توسعه اقتصادی، مدرسه عالی مدیریت، تهران.

Acemoglu, D., S. Johnson and J. Robinson (2001); "The Colonial Origins of Comparative Development: an Empirical Investigation", *American Economic Review*, 91(5). pp. 1369-1401.

Bardhan, P. (2005); "Institutions Matterer, but which Ones?" *Economics of Transition* 13.

Basu, S.R. (2008b); "A New Way to Link Development to Institutions, Policies and Geography", *Policy Issues in International Trade and Commodities*. UNCTAD/ITCD/TAB/38, United Nations, New York and Geneva.

Basu, S.R., V. Ognivstev and M. Shirotori (2008a); "Building Trade-Relating Institutions and WTO Accession", *Policy Issues in International Trade and Commodities*, UNCTAD/ITCD/TAB/39, United Nations, New York and Geneva.

Drabek, Z. and M. Bacchetta (2004); "Tracing the Effects of WTO Accession on Policy-Making in Sovereign States: Preliminary Lessons from the Recent Experience of Transition Countries", *World Economy* 27-7, pp. 1083-1125.

Easterly, W. and R. Levine (2003); "Tropics, Germs, and Crops: How Endowments Influence Economic Development", *Journal of Monetary Economics*, no. 50.

Ferrantino, M. J. (2006); "Policy Anchors: Do Free Trade Agreements Serve as Vehicles for Developing Country Policy Reform?" No. 2006-04-A, US

- International Trade Commission.
- Hall, R. and C. I. Jones (1999); "Why Do Some Countries Produce So Much More Output per Worker than Others?", *Quarterly Journal of Economics*, p. 114.
- Heritage Foundation (2009); Index of Economic Freedom.
- Index of Economic Freedom (2009); The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, Inc *Wall Street Journal*.
- Kennett, M., S.J. Evenett, and J. Gage (2005); "Evaluating WTO Accessions: Legal and Economic Perspective", IDRC-Sponsored Research project.
- North, D. C. (1990); *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge: Cambridge University Press.
- North, D. C. (1994); "Institutions Matter", Economic History, Economics Working Paper Archive at WUSTL.
- Rodrik, Dani, Arvind Subramanian and Francesco Trebbi (2004); *Institutions Rule: The Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development*, *Journal of Economic Growth*, vol. 9 (2), 131-165.
- Rose, A. K. (2006); "The Effect of Membership in the GATT/WTO on Trade: Where Do We Stand?", <http://faculty.haas.berkeley.edu/aroze/WTOsurvey.pdf>.
- Saner, Raymond and Lichia Yiu (2008); *International Economic Diplomacy: Mutations in Post-modern Times*, Netherland Institute of International Relations 'Clingendael', ISSN 1569-2981.
- Tang M-K and S.J Wei (2006); "Does WTO Accession Raise Income?" WP/06/, International Monetary Fund, Washington, DC.
- UNCTAD (2007); *Developing Countries in Trade and Development Index 2007*, New York and Geneva.